

جایگاه تحریم در نظام بین الملل

علی عباسی^۱

^۱ کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

نویسنده مسئول:

علی عباسی



چکیده

از قرن نوزدهم به همراه پیشرفت انسان در عرصه علم و تکنولوژی، نیاز جوامع به یکدیگر افزایش یافته، به گونه‌ای که امروزه هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که خود را بی‌نیاز از سایر کشورها بداند. براین اساس یکی از راههای اعمال فشار بر کشورهای نقض‌کننده حقوق بین‌الملل، استفاده از ابزار تحریم‌های بین‌المللی است. تا کشورهای مذکور رفتار خود را تعدیل نمایند. اگرچه در مواردی کشورهای قدرتمند از این ابزار سوءاستفاده کرده و از آن در جهت منافع ملی و سیاست‌های سلطه‌گرانه خود استفاده کرده‌اند. لیکن استفاده از تحریم بین‌المللی به عنوان اقدام متقابل و نیز نوعی اقدام جمعی از سوی شورای امنیت مشروع بوده و چنانچه انجام آن با بررسی وضعیت کشور خاطی و نقاط ضعف آن همراه باشد و برای هر کشور تحریم خاص اعمال گردد، می‌توان به کارایی تحریم به عنوان ضمانت اجرایی مؤثر امیدوار بود.

کلمات کلیدی: تحریم‌های اقتصادی، نظام بین‌الملل، اقتصاد.

مقدمه

امروزه تحریم‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی بر کشورها از سوی جامعه جهانی در جهت تعدیل در سیاست‌ها و رفتار آنها مطرح است. در حال حاضر این نقش به شورای امنیت سازمان ملل متحد که مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را براساس منشور ملل متحد برعهده دارد، واگذار شده است. اما استفاده از تحریم‌های تجاری با هدف تأمین منافع خاص کشور تحریم‌کننده و بدون توجه به منافع و خواست‌های سایر اعضای جامعه جهانی و برخلاف اصول و موازین بین‌المللی، سیاستی است که در سال‌های اخیر از سوی پاره‌ای از قدرت‌ها، خصوصاً ایالات‌متحده آمریکا علیه برخی از کشورهای در حال توسعه که سیاست‌ها و مواضعشان با منافع آنها سازگاری نداشته اعمال شده است. ایالات‌متحده آمریکا یکی از طرفداران پر و پاقرص تحریم‌های اقتصادی و سیاسی برای دستیابی به اهداف موردنظر در سیاست خارجی خود بوده است.

مفهوم تحریم های اقتصادی

اصطلاح تحریم عبارت است از امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول. با وجود این، کاربرد آن بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی رایج است و کالاها و خدمات تولیدی یک دولت خاص بایکوت می‌شود. تحریم ممکن است عام یعنی شامل همه‌ی کالاها و خدمات و یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاها باشد (ایوانز و نونام ۱۳۸۱، ۹۶).

ذکر این نکته مهم است که گرچه در تحریم‌ها عنصری از تنبیه وجود دارد، اما صرفاً به منظور ایجاد شرایط دشوار برای مردم کشور تحریم نبوده و در واقع هدف آن ایجاد تغییراتی در رفتار سیاسی دولت این کشور است. عده‌ای نیز مهمترین کارکرد تحریم را بازدارندگی می‌دانند (ظریف ۱۳۷۶، ۹۲).

سابقه تحریم به سرنوشت «کاپیتان چالزسی بایکوت» یک ملاک انگلیسی در «Famine- Ridden» ایرلند در اواخر دهه ۱۸۷۰ برمی‌گردد. در این جریان کاپیتان به خاطر رفتار ظالمانه نسبت به کشاورزان از سوی مجمع زمین ایرلند، از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در انزوا قرار گرفت. با شروع این قرن، اصطلاح از کاربرد رایج خود در حقوق روابط کار به صحنه بین‌المللی انتقال یافت و دچار تغییرات و پیشرفت‌های بعدی شد.

تحریم در روابط بین‌الملل ابتدا جنبه خصوصی یا ملی داشته و اتحاد و یکپارچگی افرادی را توصیف می‌کرد که تصمیم داشتند به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش به انجام رفتار معین، روابطی با افراد دارای ملیت خارجی نداشته باشند. این اصطلاح بعدها گسترش پیدا کرد؛ به طوری که شروع چنین اقداماتی از سوی یک کشور را نیز دربرگرفت. قطع روابط مالی و اقتصاد با کشورهای دیگر و اتباعشان، ممکن است توسط یک کشور یا چندین کشور که مشترکاً عمل می‌کنند، به عنوان یک نوع فشار اقتصادی یا خصومت، هم در زمان جنگ و یا صلح انجام گیرد. تحریم همچنین ممکن است به عنوان یک مجازات اقتصادی جمعی در موارد تهدید یا نقض صلح از سوی سازمان ملل متحد علیه کشور خاطی بکار گرفته شود (حدادی ۱۳۸۲، ۱۱۱).

تحریم، به «تحریم اولیه» و «تحریم ثانویه» تقسیم می‌گردد. در صورتی که تحریم تنها به روابط دو کشور مربوط شود، به طوری که کشوری از برقراری تجارت یا تبادل خدمات یا سایر روابط اقتصادی و اجتماعی با کشور دیگری امتناع نماید، این تحریم اصطلاحاً «تحریم اولیه» یا ابتدایی که دامنه شمول آن محدود می‌باشد، خوانده می‌شود. گاهی کشوری ممکن است دامنه تحریم را گسترش داده و از برقراری روابط بازرگانی، مالی و سایر روابط با سایر کشورهایی که با کشور مورد تحریم دارای روابط می‌باشند خودداری نماید که اصطلاحاً این نوع تحریم، «تحریم ثانویه» نامیده می‌شود. گاهی در تحریم ثانویه، کشور تحریم‌کننده از این هم فراتر می‌رود و همچون قانون داماتو آمریکا علیه ایران برای کشورها یا شرکت‌هایی که با کشور تحریم شده روابط مالی و غیره برقرار نمایند مجازات تعیین می‌کند (کاش ۱۹۸۲، ۷۴).

باید به این نکته توجه داشت که هدف از تحریم که همانا وارد کردن کشور تحریم شده به انجام رفتار معین یا وادار کردن خسارت به آن کشور می‌باشد، تحریم را از دیگر تدابیر اقتصادی که در راستای پیشرفت اهداف اقتصادی یک کشور انجام می‌شود، همچون تعرفه‌ها، ممنوعیت صادرات یا واردات و... مجزا می‌کند.

تحریم‌های اقتصادی مقوله‌ای است که نابرابری در ساختارهای قدرت را در نظم به اصطلاح نوین جهانی آشکار می‌سازد. در واقع اعمال تحریم‌های اقتصادی غالباً نتیجه تغییر و تبدیلات در ساختارهای قدرت جهانی است. این که چه کشوری تحریم می‌شود، الزاماً نه به آن کشور، بلکه به موضوع روز و دل‌مشغولی کشورهای قدرتمند بازمی‌گردد. شورای امنیت، محفل تصمیم‌گیری برای منافع ابرقدرت‌ها است و «تحریم» ابزار مؤثری در خدمت این منافع محسوب می‌شود. اغلب تصمیمات سازمان ملل به تنبیه کشورهای جهان سوم و مستقلی که از خواسته ابرقدرت‌ها سرپیچی می‌کنند منجر می‌شود. سازمان ملل

به واسطه گزارش‌هایی که کارشناسان آن از کشورهای نظیر عراق و لیبی تهیه می‌کنند، به خوبی از جنبه‌های انسانی تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی آگاهی دارد (حدادی ۱۳۸۲، ۱۱۴).

این واقعیت بر همه روشن است که تحریم‌های بین‌المللی کمترین تأثیر را بر رژیم حاکم بر کشورها و بیشترین تأثیرات فاجعه‌انگیز را بر مردمان آنها دارد. حتی تحریم‌ها اغلب به تحکیم پایه‌های قدرت رژیم در برابر جامعه‌ای منجر می‌شود که به دلیل فقر و گرسنگی به زانو درآمده است. اگر رژیم تحریم شده دارای پایگاه مردمی قوی و ریشه‌دار باشد، می‌تواند به تقویت روحیه ملی بپردازد و گرایش‌های مردم را به سود سیاست‌های اقتصادی خود-اتکا هدایت کند که در نهایت جامعه از آن منتفع خواهد شد. ولی چنانچه رژیم تحت تحریم از پایگاه مردمی کافی برخوردار نباشد و یا اساساً پایگاهی در جامعه نداشته باشد، حاصل تحریم، همان‌طور که در بالا ذکر شد، گرسنگی و بی‌سروسامانی مفرط مردم جامعه خواهد بود.

وضع یا لغو تحریم‌های اقتصادی علیه یک کشور خاص، به این امر بستگی دارد که منافع اقتصادی بر مصالح سیاسی یا بالعکس فایق آید. معمولاً اگر منافع اقتصادی و تجاری غیرقابل چشم‌پوشی باشد، از ملاحظات سیاسی مربوط به حقوق بشر و امنیت منطقه‌ای می‌توان گذشت کرد. به‌علاوه غالباً تحریم‌های اقتصادی توجیهی برای اعمال سیاستی دیگر است، مانند مورد پاناما که آمریکا در قالب مداخله انسان‌دوستانه، معادلات قدرت در آن کشور و در منطقه استراتژیک آبراه پاناما را به سود خود تغییر داد. بنابراین، می‌توان گفت که تحریم‌های اقتصادی به یکی از ملزومات اصلی استراتژی سیاسی بین‌المللی تبدیل شده است.

اهداف تحریم

تحریم‌های اقتصادی عبارت از مجازات و یا دست‌کاری در روابط و همکاری‌های اقتصادی به منظور تأمین اهداف سیاسی است. در واقع تحریم اقتصادی یکی از ابزارهای زیرمجموعه سیاست خارجی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا کشور یا کشورهایی مقاصد سیاسی خود را نسبت به کشور هدف به هنگام بروز اختلاف دنبال کنند. تحریم‌های اقتصادی از نظر هدف دو نوع هستند: اول، تحریم اقتصادی به منظور بی‌ثبات کردن رژیم سیاسی کشور هدف است که در واقع برگرفته از تضاد در منافع استراتژیک کشور تحریم‌کننده و کشور هدف می‌باشد. این نوع تحریم برای تغییر رژیم کشور هدف است. دوم، تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف صورت می‌گیرد. این نوع تحریم به مراتب ملایم‌تر از نوع اول است. زمانی که کشورها به دنبال تغییر رژیم کشور هستند، تحریم نوع اول اعمال می‌شود با این هدف که لطمه‌ای سنگین به منافع کشور هدف وارد آید. در واقع در این نوع تحریم، عملاً تحریم اقتصادی جایگزین جنگ است و گزینه ماقبل جنگ تلقی می‌شود (یاوری و محسنی ۱۳۸۹، ۱۳-۱۲).

به نظر برابر تحریم‌های اقتصادی می‌تواند به دلایل متفاوتی صورت پذیرد. از مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به رفتار و عمل دولت‌ها در مقابل کشور تحریم‌شونده، انتظارات آتی دولت‌های تحریم‌کننده و دیدگاه‌های بین‌المللی اشاره کرد که به ساختار کلی بین‌الملل و یا بخشی از ساختار بین‌المللی مرتبط است. اعمال تحریم با توجه به تعداد شرکت‌کنندگان به سه نوع: یک‌جانبه، چندجانبه و جامع (فراگیر) طبقه‌بندی می‌شود. تحریم یک‌جانبه اغلب اوقات فقط به یک کشور محدود می‌شود. در این حالت، تحریم را فقط یک کشور در مقابل کشور دیگر انجام می‌دهد. در حالت چندجانبه، تحریم‌ها بیش از یک کشور صورت می‌پذیرد. در این صورت ممکن است که دیگر کشورها، از کشور پیش‌رو در تحریم پیروی کنند و در نهایت تحریم جامع، همه‌ی کشورها در آن درگیر خواهند شد. لازم به ذکر است که انتخاب تنبیه اقتصادی می‌تواند از طریق چارچوب یک سازمان بین‌المللی نظیر شورای امنیت صورت پذیرد (باربر ۲۰۱۲، ۶۴).

شیوه اعمال تنبیه‌های اقتصادی (تحریم) می‌تواند به سه روش بایکوت، توقیف و مالی انجام پذیرد. بایکوت در واقع به ممنوعیت واردات یک یا چند کالا از کشور هدف اطلاق می‌شود. این نوع تحریم باعث کاهش تقاضا برای کالاهای مهم صادراتی کشور هدف می‌شود. این نوع تحریم به کاهش درآمد ارزی و در نتیجه کاهش توانایی کشور هدف، برای خرید کالاهای اساسی مورد نیاز منجر می‌گردد. با استفاده از این نوع تحریم می‌تواند به برخی از صنایع خاص که نیازمند واردات کالاهای اساسی برای ادامه تولید هستند، آسیب وارد کرد. این سیاست به دلیل آنکه کشور هدف قادر خواهد بود با دسترسی به دیگر بازارها و یا کشورهایی که از چنین تحریم‌هایی پیروی نمی‌کنند یا با ترفندهای گوناگون از تحریم عبور می‌کنند به تأمین کالای خود بپردازد، کارایی لازم را ندارد. شیوه تحریم از طریق توقیف، صادرات کالاهای مهم به کشور هدف را تحریم می‌نماید. این روش، ابزار رایج و گسترده‌ای است که برای تنبیه کشور تحریم‌شونده استفاده می‌شود (رحیمی ۱۳۹۱، ۱۶).

البته این نوع ممنوعیت در صادرات، ممکن است جزئی یا کامل باشد، در نهایت، تحریم مالی، وام‌دهی و یا سرمایه‌گذاری کشور هدف را تعلیق یا محدود می‌کند. همچنین کشورهای تحریم‌کننده می‌توانند محدودیت‌های مضاعفی را بر پرداخت‌های بین‌المللی کشور هدف، نظیر مسدود کردن دارایی‌های خارجی برای اعمال فشار بیشتر انجام دهند.

چگونگی اتخاذ تحریم‌های اقتصادی**ممنوعیت‌های تجاری**

مهم‌ترین موارد ممنوعیت تجاری عبارتند از:

- ۱- سهمیه‌بندی، تحدید و توقف کلی صادرات و واردات؛
- ۲- سیاست تبعیض‌آمیز تعرفه‌ای، شامل رد همکاری بیشتر با کشور هدف و پذیرش امتیاز تعرفه‌ای عمومی؛
- ۳- تعلیق و لغو موافقت‌نامه‌های تجاری و پروژه‌های مشترک و ممنوع کردن صادرات تکنولوژی؛
- ۴- تهیه لیست سیاهی از معاملات تجاری در حال انجام توسط کشور هدف؛
- ۵- قطع، تعلیق و لغو کمک‌های فنی و برنامه‌های آموزشی (عزیزنژاد و سید نورانی ۱۳۸۹، ۱۶۹-۱۶۸).

ممنوعیت‌های مالی

ممنوعیت مالی نیز جنبه دیگری از تحریم‌های مالی بوده و به یکی از اشکال ذیل اعمال شدنی است:

- ۱- ممنوعیت بیمه‌ها و سایر خدمات مالی؛
- ۲- مالیات بر صادرات کشور؛
- ۳- ایجاد محدودیت‌های مالی و بانکی؛
- ۴- تحریم نقل و انتقالات مالی؛
- ۵- مسدود کردن دارایی‌های خارجی کشور؛
- ۶- ایجاد ممنوعیت در فروش نفت خام و واردات و فرآورده‌های نفتی؛
- ۷- ایجاد اختلال در گشایش اعتبار اسنادی برای تجار کشور؛
- ۸- ایجاد موانع در جذب سرمایه‌گذاری خارجی (عزیزنژاد و سید نورانی ۱۳۸۹، ۱۶۹).

اثرات تحریم‌ها

اثرات تحریم‌ها و مجازات‌ها بطور کلی بستگی به اهدافی که تعقیب می‌شود، دارد. اهداف اولیه به رفتار کشور تحریم شده و اهداف ثانویه به وضعیت داخلی و انتظارات کشور تحریم‌کننده مربوط می‌شود. در اکثر موارد، تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی تأثیر اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند، اما موفقیت سیاسی آنها خیلی کمتر بوده است. خصوصاً زمانی که کشور مورد تحریم از لحاظ اقتصادی وابستگی کمی به کشور تحریم‌کننده داشته و سایر کشورها نیز کشور تحریم‌کننده را در اجرای تحریم همراهی نکنند.

در تحریم‌های جمعی توسط سازمان ملل متحد، نیز اگرچه کمیته‌هایی برای نظارت بر اجرای تحریم، زیر نظر شورای امنیت تأسیس شده‌اند، لیکن در کل اجرای تحریم‌ها کلاً به عهده دولت‌ها واگذار شده است لذا چنانچه کشورهای جهان در خصوص این تحریم‌ها یا روشی که در آن چنین تحریم‌هایی می‌بایست اجرا گردد توافق و هماهنگی نداشته باشند، اینگونه تحریم‌ها اثر چندانی نخواهند داشت از طرف دیگر جهان بازرگانی همیشه قادر به کشف روزه‌های گریز از این تحریم‌ها هستند. افزون بر این، آثار بشردوستانه منفی تحریم‌های بین‌المللی بر آسیب‌پذیرترین اقشار مردم دولت هدف، همواره یکی از نگرانی عمده جامعه بین‌المللی بوده است. یکی از نمونه‌های تحریم‌های بین‌المللی که باعث شد مردم کشوری در وضعیت اسفناک اقتصادی و اجتماعی قرار گیرند، کشور عراق در زمان رژیم صدام می‌اشد، به گونه‌ای که عده‌ای ادامه تحریم‌ها را نامشروع دانسته و خواستار لغو آن گردیدند (طباطبایی ۱۳۷۹، ۷۱).

اگرچه در منشور ملل متحد استفاده از تحریم‌ها توسط شورای امنیت برای تعدیل رفتار دولتی که صلح و امنیت را به خطر می‌اندازد مجاز می‌باشد، لیکن باید این پرسش را مطرح کرد که چنانچه هدف تحریم قابل تحقق نباشد، تا چه مدت باید آن را ادامه داد؟ با وجود این که آثار تحریم بر دولت خاطی در درازمدت مشخص می‌گردد، ولی افزایش بی‌رویه مدت اعمال تحریم‌ها فقط می‌تواند موجب شود که هزینه‌های بشردوستانه آنها افزایش یافته و عوارضی ببار آورد که در ابتدا پیش‌بینی نشده بود. از سوی دیگر در چنین شرایطی خاتمه دادن به تحریم‌ها این خطر را به همراه دارد که مقامات دولت‌های خاطی از این قبیل مشکلات تشویق شوند که ملت خود را سپر بلا قرار دهند. لذا با توجه به ویژگی عام‌الشمول بودن موازین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، شورای امنیت ملزم است که این موازین را جهت حمایت از افراد غیرنظامی مراعات نماید. برای تحقق این هدف می‌توان ترتیبات عملی را به این ترتیب پیاده نمود: ضرورت ارزیابی تأثیر بالقوه تحریم‌ها قبل از تصویب تحریم و در طول مدت اجرای آن و سپس ضرورت نظارت بر اعمال تحریم‌ها به منظور تضمین مطابقت آنها با موازین مربوط به حقوق بشردوستانه بین‌المللی (ایوانز و نونام ۱۳۸۱، ۳۳).

آثار تحریم‌ها بر تجارت آزاد و حق توسعه و همین‌طور نتایج مخرب آن بر همسایگان دولت هدف تحریم نیز به نسبت مسائل مهمی را مطرح می‌سازد که مستلزم ارزیابی هوشیارانه است. نکته آخر اینکه، تحریم‌ها، حتی آنهایی که توسط سازمان ملل متحد وضع شده‌اند، دارای انگیزه سیاسی بوده و صورت‌گزینشی اعمال شده و به شدت دست‌کاری گردیده‌اند. و در بعضی موارد بعضی از اعضای شورای امنیت اهداف خاصی را دنبال می‌کنند و سعیشان براین است که منافع و اهداف موردنظر خود را در اجرای این تحریم‌ها تأمین نمایند. تحریم علیه عراق و لیبی از جمله این نمونه‌ها هستند.

چالش‌های تحریم

تحریم‌های اقتصادی چالش‌های زیادی دارند. اول، معمولاً تهدید اگر اعتبار کافی نداشته باشد، فشار بی‌نهایتی را طلب می‌کند. به‌علاوه تحدید به خودی خود باعث ناآرامی و اضطراب می‌شود، امری که بر عقلانیت تصمیم‌گیری طرف مقابل اثر منفی به جای می‌گذارد و مسأله‌ای را نیز حل نمی‌کند. دامنه کار به حدی است که به دلیل عدم موفقیت، کشور تحریم‌کننده به ناچار از نیروی نظامی استفاده می‌کند. این در واقع خلاف منطق اصلی بکارگیری تحریم اقتصادی است؛ زیرا، همان‌طوری که در تعریف اولیه از تحریم بیان شد، تحریم به منظور استفاده نکردن از نیروی نظامی در نظر گرفته می‌شود.

برپایه این تحلیل، صرف‌نظر از این که هدف تحریم‌کننده چه باشد، ممکن است تحریم اقتصادی منجر به جنگ شود. تاریخ گذشته و معاصر، نمونه‌هایی از تحریم اقتصادی که در نهایت تبدیل به جنگ شده است را نشان می‌دهد (احمدی ۱۳۹۰، ۲۶۱). در قرن پنجم پیش از میلاد، پریکل امپراتور آتن علیه یکی از شهر-کشورها که با دشمن امپراتور همدست شده بود، تحریم تجاری وضع کرد. هدف امپراتوری این بود تا نشان دهد هر کس که اقتدار امپراتور را به چالش کشد، تا مرز جنگ تنبیه خواهد شد. در واقع علی‌رغم این که هدف امپراتور از وضع تحریم جنگ نبود، اما تحریم مزبور منجر به جنگی شد که ۳۰ سال ادامه یافت. مشابه این وضعیت بین آمریکا و ژاپن اتفاق افتاد. در واقع حمله ژاپن به پرل هاربر در پاسخ به تحریم شدید آمریکا علیه این کشور بود. آمریکا نیز متقابلاً، وارد جنگ جهانی دوم شد. تحریم آمریکا علیه عراق در زمان صدام حسین نیز در نهایت به همین سرنوشت دچار گردید.

نکته دیگری که در تحریم‌ها وجود دارد، آثار منفی آن بر روی مردم عادی است. تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بعد از جنگ سرد، به حدی مخرب بوده‌اند که تلفات، ناشی از آن بسیار بیشتر از کشته‌های سلاح‌های کشتار جمعی بکار گرفته شده در طول تاریخ است. این عامل باعث شد تا تحریم به اصطلاح هوشمند مطرح شود. ادعا این است که تحریم همه‌جانبه تمام مردم، و تحریم هوشمند تنها نخبگان دولتی در قسمت‌های مهم را هدف قرار می‌دهد. اما مشکل تحریم هوشمند نیز این است که اثر چندانی ندارد. از این‌رو توصیه می‌شود که افرادی هدف تحریم‌های هوشمند قرار گیرند که مسئولیت اتخاذ سیاست‌هایی را عهده دارند که کشور تحریم‌کننده با آن سیاست‌ها مخالف است. (برزگر ۱۳۹۲، ۳۸).

با این همه، در نهایت بسیاری از نظریه‌پردازان به این نتیجه رسیده‌اند که در حل و فصل منازعات، مشوق بیش از تحریم و فشار اثرگذار است؛ زیرا در این صورت، احتمال درگیری کاهش می‌یابد و طرف مقابل نیز زمینه برای نوعی معامله کردن پیدا می‌کند. از دید دیوید بالدوین، تهدید پیام خشونت، ناآرامی و ترس را به دنبال دارد، در حالی که محرک‌های مثبت می‌تواند همکاری و نیت خوب و امید را القا کند. در این دیدگاه حتی اگر مشوق، باجگیری تلقی شود، با این حال منجر به رفتاری تحریک‌آمیز نمی‌شود. در ضمن، مشوق می‌تواند به عنوان ابزاری برای ایجاد انشقاق هم به کار رود. هنگامی که افرادی مشخص، از جامعه منزوی شده باشند، محرک‌های مثبت می‌تواند زمینه‌ساز اثرگذاری فزاینده برای تغییر در دیگر بخش‌های کشور هدف که از شوق‌ها منتفع می‌شوند، به وجود آورد. این امر در صورت همکاری حکومت کشور تحریم شده ایجاد می‌شود. در این مرحله از دید مدل نظریه‌بازی‌ها در زمینه اجبار اقتصادی، هنگامی که کشوری، مصالحه را بر پذیرش خسارت ترجیح می‌دهد، زمینه تسلیم شدن حتی قبل از اعمال تحریم را نیز دارد. از این جهت، براساس مدل تئوری بازی‌ها، صرف تهدید به تحریم برای موفقیت آن کفایت می‌کند و در غیر این صورت نباید اعمال شود.

نتیجه گیری

همان گونه که در بررسی قبلی مشخص گردید، تحریم‌ها از جمله ابزار و اقداماتی هستند که از دیرباز چه به نحو خصوصی یا به نحو دولتی و همچنین به عنوان یک ضمانت اجرا در موارد تهدید یا نقض صلح برای وادار کردن دولت‌ها جهت تغییر رفتار خود به کار گرفته شده‌اند.

تحریم‌های خصوصی که توسط افراد و گروه‌های خصوصی و ملی سازماندهی می‌شوند بندرت مسئولیت بین‌المللی دولت را در پی دارند. و مشروعیت این نوع تحریم‌ها مورد تردید واقع نشده است.

تحریم‌های دولتی معمولاً توسط کشورهای نیرومند به عنوان ابزار سیاست خارجی به کار گرفته شده‌اند. هدف از این گونه تحریم‌ها وادار کردن دولت هدف به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی‌شان می‌باشد. لذا این تحریم‌ها صرفاً اهداف اقتصادی را دنبال نمی‌کنند، بلکه دستیابی به اهداف سیاسی، اجتماعی یا نظامی ممکن است جزء برنامه‌ها و انگیزه‌های کشور تحریم‌کننده باشد. تحریم‌های دولتی ممکن است تنها نسبت به دولت هدف برقرار گردد (تحریم اولیه)، یا اینکه دایره شمول آن گسترش داشته و شامل کشورهایی که با دولت هدف، دارای روابط تجاری یا مالی و... هستند، گردد (تحریم ثانویه).

اگرچه در گذشته این نوع تحریم‌ها به استناد اصل حاکمیت کشورها مجاز تلقی می‌گردید، لیکن امروزه براساس حقوق بین‌الملل معاصر از جمله قطعنامه‌های ارکان ملل متحد، اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی کشورها، حق توسعه و... تحریم‌های بین‌المللی که از سوی کشورها بر علیه کشورهای دیگر اعمال می‌گردند، خصوصاً تحریم ثانویه، غیرمجاز بوده و مشروعیت آن مورد تردید می‌باشد. لیکن با توجه به اینکه در حقوق بین‌الملل توسل به اقدامات متقابل در مقابل کشورهای ناقص حقوق بین‌الملل با شرایطی مشروع است، کشورها می‌توانند از تحریم‌ها به عنوان اقدام متقابل استفاده نمایند.

در این زمینه ایرادی که به طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها وارد است این است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد به صرف طرح ادعای نقض حقوق بین‌الملل از سوی کشور دیگر، به اقدامات متقابل از جمله تحریم متوسل شوند که این می‌تواند آثار و تبعات سوء برای جامعه بین‌المللی در پی داشته باشد.

تحریم‌های جمعی که توسط میثاق جامعه ملل و منشور سازمان ملل متحد (ماده ۴۱) پیش‌بینی شده‌اند از جمله ابزارهای اجرای تصمیمات این سازمان‌ها می‌باشند. شورای امنیت در دوره جنگ سرد، تنها در دو مورد و پس از جنگ سرد در چندین مورد از این ابزار استفاده کرده است. یکی از کامل‌ترین و گسترده‌ترین این تحریم‌ها علیه عراق در سال ۱۹۹۰ پس از تجاوز عراق به کویت صورت گرفت.

در خصوص اینکه تحریم‌های بین‌المللی چه آثاری را در پی دارند، بستگی به اهداف مورد نظر تحریم‌کننده یا سازمان ملل دارد. اکثر این تحریم‌ها اگرچه آثار سوء اقتصادی در پی داشته‌اند لیکن در تغییر رفتار کشور مورد تحریم چندان موفق نبوده‌اند دلیل این مسأله را باید در توانمندی کشور مورد تحریم و واکنش منفی سایر کشورها جستجو کرد.

منابع و مراجع

- ۱- ظریف، محمدجواد ۱۳۷۶. تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران. فصلنامه سیاست خارجی. سال یازدهم. شماره ۱.
- ۲- یآوری، کاظم و رضا محسنی. ۱۳۸۹. آثار تحریم های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی. فصلنامه مجلس و پژوهش. سال شانزدهم. شماره ۶۱.
- ۳- عزیزنژاد، صمد و سیدمحمدرضا سیدنورانی. ۱۳۸۹. بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی. فصلنامه مجلس و پژوهش. سال شانزدهم. شماره ۶۱.
- ۴- حدادی، مهدی. ۱۳۸۲. تحریم های بین المللی، ابزار سیاست ملی یا ضمانت اجرایی بین المللی. فصلنامه اندیشه حقوقی. سال اول، شماره ۳.
- ۵- ایوانز، پیتر و آلن نونام. (۱۳۸۱). ضمانت اجراهای کیفری منشور ملل متحد. تهران: وزارت امور خارجه.
- ۶- کاش، فردیریک. (۱۹۸۲) تحریم های اقتصادی، چرا و چگونه. تهران: نشر زرگر.
- ۷- باربر، آلن. (۲۰۱۲). الگوی آمریکا برای مدیریت جهان. تهران: نشر نگاه.
- ۸- رحیمی، علی. ۱۳۹۱ اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم. مجله سیاست خارجی. سال یازدهم. شماره ۱.
- ۹- طباطبایی، عبدالرضا. ۱۳۷۹. تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن. فصلنامه مریبان. سال هشتم. شماره ۲۷.
- ۱۰- احمدی، قاسم. ۱۳۹۰. جایگاه تحریم در سیاست خارجی آمریکا. مجله سیاست خارجی. سال سیزدهم. شماره ۲.

